



الف احترام

اشتراك در شبکه‌های اجتماعی: [1]
آدرس صفحه: <http://mava>



[2]

ابراهیم اخوی؛ روان‌شناس

لطفاً چند دقیقه روی این داستان واقعی که این روزها زیاد تکرار می‌شود، تأمل کنید:

سامان از مدرسه برگشته و حسابی ناراحت است. مادر دلیل ناراحتی اش را پرس و جو می‌کند و بعد از کلی کلنجر متوجه می‌شود که مشکلی در ارتباطش با معلم به وجود آمده است. معلم سامان امروز به او گفت: تو باید این قدر توانی کلاس حرف بزنی و حواس بقیه رو پرت کنی. اگر همین طور ادامه بدی، مجبورم می‌کنی ازت بخواهم با پدر و مادرت بیای مدرسه!"

واکنش والدین سامان به این مسئله چه می‌تواند باشد؟

واکنش اول) معلم به چه حقیقی تو رو توی جمع ضایع کرد؟ من تو رو توی بهترین مدرسه ثبت نام کردم و کلی پول هم داریم به مدرسه می‌دیم که آب توی دل شما تكون نخوره. اصلاً قبل از اینکه معلم از تو بخواهد، من خودم فردا می‌ام مدرسه و تکلیف معلم تو رو روشن می‌کنم.

پیامدها: با این رفتار به سامان یاد داده‌ایم که تو از هر قانونی مهم‌تری و هیچ کس حق ندارد برایت قانون و شرایطی تعیین کند. وقتی سامان با این روحیه بزرگ شود، روحیه دور زدن قانون و سریعی از آن هم قوی تر خواهد شد. همچنین باخواسته با سامان آموخته‌ایم که حتی اگر ما برایت قانون گذاشتیم، می‌توانیم اعتراض کنی و آن را اجرا نکنی. یعنی سامان را برای فردای پرتلاطم آماده کرده‌ایم.

واکنش دوم) بین من و بابات به اندازه کافی کار و مشکل داریم، تو دیگه مشکل جدید به ما اضافه نکن. ما وظیفه داشتیم تو رو توی یک مدرسه خوب ثبت نام کنیم که کردیم و الان هم وظیفه داریم که شهریه اش رو حور کنیم که دو تایی داریم کار می کنیم تا این اتفاق بیفته. هر مسئله‌ای توی مدرسه برات پیش بیاد به خودت مربوطه و دیگه هم حق نداری توی خونه اینجوری ماتم بگیر!

پیامدها: به گمان سامان، معیار والدگری تنها تامین کنندگی در مسائل مادی است و او باید انتظار دیگری از والدین خود داشته باشد. در چنین شرایطی سامان ترجیح می‌دهد تمام مسائل مربوط به خودش را از والدین مخفی کند و به تنها یی یا به کمک دوستانش و بیشتر هم به روش‌های منفی و نادرست از پس آنها برپیاید. ممکن است در مقابل تهدید معلم، او هم نقشه‌ای برای شایعه‌پراکنی نسبت به معلم بکشد یا با شگردهای دیگر، جمع بیشتری را مانند خود نموده و یک تیم بسازد.

واکنش سوم) دست معلم درد نکن. خیال کردی معلم هم مثل من و بایاست که هر کاری دلت خواست بکنی و هیچ اتفاقی نیافته. اصلاً خودم زنگ می‌زنم و از معلم تشكیر می‌کنم و ازش می‌خوام اگر به این کارهات ادامه دادی، تو رو از مدرسه بیرون کنه.

پیامدها: مادر با این تهدید هم اضطراب تولید کرده، هم رابطه معیوب ایجاد کرده که سامان را دچار دوگانه محبت- نفرت می‌نماید و هم از معلم یک چهره خشن و ترسناک ترسیم نموده است. در این شرایط، سامان والدین را افرادی غیرقابل اعتماد و غیر منطقی ترجمه کرده و با رسیدن به سن نوجوانی و جوانی، رفتارهای تاهمجار زیادی را از خود بروز خواهد داد.

واکنش چهارم) چقدر شرایط بد شده. مثلاً ما تو رو توی بهترین مدرسه ثبت نام کردیم ولی اونجا هم یک معلم کاربلد نداشتیم که بتونه توی این موارد عاقلانه تصمیم بگیره و راه درست رو نشونت بدم. دیگه نمیشه توی این دوره زمانه به کسی اعتماد کرد! موندم جه کنم؟

پیامدها: القای بدینی سبب می‌شود کودک به صورت تعمیم یافته جامعه را نامن تصور کرده و مسئولیت رفتارش را گردن دیگران بیندازد. مادر یا پدری که چنین واکنشی نشان می‌دهند، نمی‌خواهند قبول کنند که فرزندشان مشکل پذیرش موقعیت دارد و نیازمند آموزش است. آنها تنها درصد تغییر دیگران به نفع فرزندشان هستند و این پیام را به سامان مخابره می‌کنند که تو نیاز به هیچ گونه تغییری نداری، این معلم و بعدها مراجع قدرت و تصمیم‌گیری هستند که باید تغییر کنند و درک بهتری از تو داشته باشند. این واکنشی، هم به نوعی ناتوانی والدین در حل مسئله را نشان می‌دهد و پیام خوبی برای فرزند ندارد.

واکنش پنجم) سامان جان! معلم حق داره. زنگ تفریح رو گذاشتن برای حرف زدن و شوخی کردن تا خستگی کلاس از تن شما بیرون بره. کلاس جای حرف زدن نیست و امروز معلم بهترین قانون درس خواندن رو به تو آموزش داد. حتما از فردا هم قانون کلاس رو رعایت کن و هم از معلم بت به خاطر این تذکر خوب تشکر کن. تو هدف های خیلی مهمی داری و خداوند استعدادش رو هم داده، پس سعی کن توی کلاس یک دانش آموز فعال و کوشباشی و با این کار جلب توجه کنی نه با کارهای منفی که هر کس دیگهای می‌تونه انجام بدته.

پیامدها: به سامان کمک کرده ایم تا خود اجتماعی اش را بهتر بشناسد. ارزشمندی قانون را یاد بگیرد و رفتار مناسب با هر موقعیت را تمرین کند. از همه اینها مهمتر، معلم در نگاه سامان یک فردی قوی، قانون‌گذار و شایسته احترام تعريف شده که لازم است با انجام دستورات آن، به رشد لازم برسد. استفاده از روش مقدارانه به سامان این پیام را می‌دهد که مسئولیت صدرصد ارتباطها و رفتارهایش را بپذیرد و دیگران را به خاطر رفتارهای بد خودش سرزنش نکند. چنین فرزندانی رفتارهای اجتماعی شایسته همراه با عزت نفس بالا از خود نشان داده و می‌توانند مسیر موفقیت را با شوق فراوان و همت بلند بپیمایند.

حرف آخر) مراقب باشیم عقده‌گشایی شخصی خود را بهانه‌ای برای ترویج بی‌احترامی و آموزش‌های نادرست به کودکان نکنیم. یادمان باشد الفبای احترام، ریشه در آموزش‌های خانگی دارد و یادمان داده‌اند که آموزگاران، والدین دوم ما به شمار می‌آیند و شایسته احترام هستند.

برچسب‌ها:

[3] احترام، والدين، معلم، مدرسه

[شانی منبع:](http://mava.iki.ac.ir/node/923)

سوندھا

[1]

[\[2\]](https://www.addtoany.com/share#url=http%3A%2F%2Fmava.iki.ac.ir%2Farticles%2F%25D8%25A7%25D9%2584%25D9%2581%25D9%2590-%25D8%25A7%25D8%25AD%25D8%25AA%25D8%25B1%25D8%25A7%25D9%2585-0&title=%D8%A7%D9%84%D9%81%D9%90%20%D8%A7%D8%AD%D8%AA%D8%B1%D8%A7%D9%85)

http://mava.iki.ac.ir/files/images/articles/unnamed%20%281%29_4.jpg [3]

[http://mava.iki.ac.ir/tag/%D8%A7%D8%AD%D8%AA%D8%B1%D8%A7%D9%85%D8%8C%D9%88%D8%A7%D9%84%D8%AF%DB%8C%D9%86%D8%8C%D9%85%D8%B9%D9%84%D9%85%D8%8C-](http://mava.iki.ac.ir/tag/%D8%A7%D8%AD%D8%AA%D8%B1%D8%A7%D9%85%D8%8C%D9%88%D8%A7%D9%84%D8%AF%DB%8C%D9%86%D8%8C%D9%85%D8%B9%D9%84%D9%85%D8%8C)

[%D9%85%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D9%87](#)